



جمیل چوگان رئیس شورای اسلامی روستای خواجه نفس:

حرکت به سوی فردای روشن و آباد را آغاز نمودیم

صفحه ۵



عبدالجبال ایری:

انتخابات شورای شهر با تگاهی بر قابلیت های مدیریت شهری در بندرتروکمن

صفحه ۳

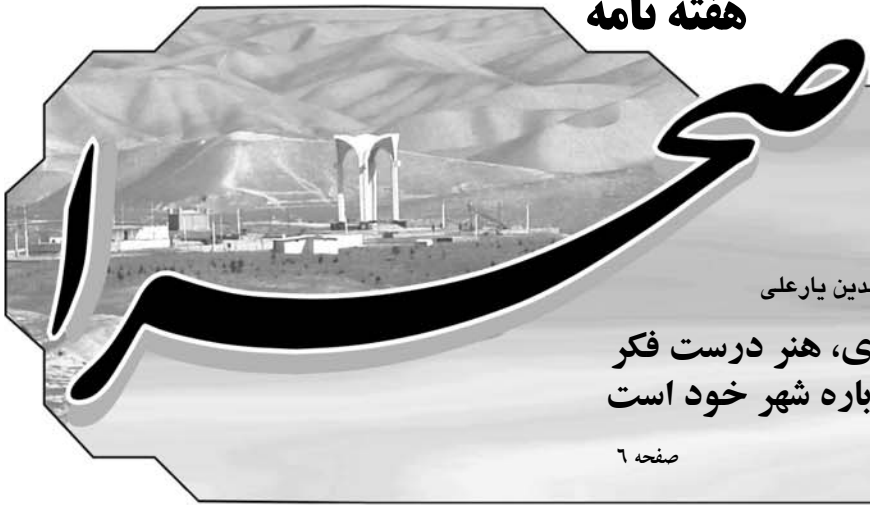


مهندس کمال الدین یارعلی

برنامه ریزی، هنر درست فکر کردن درباره شهر خود است

صفحه ۶

هفته نامه



مجموعه گردشگری مختومقلی؛ فضایی در حد یک آرامگاه

آیین ۲۸۰مین سالروز میلاد مختومقلی فراغی در مراوه تپه برگزار شد

صفحه ۸



آیا والیبال گنبد به روزهای خوش خود باز می گردد



حاجی قربان طریک: ستوال اساسی بسیاری از

علاقتمندان به والیبال در این روزها این است که امسال والیبال گنبد در سوپر لیگ سهمیه ای دارد یا نه؟ پاسخ دادن به این سوال با توجه به انصراف هاشور در سال گذشته و افتادن جوهری به دسته یک کمی تأمل برانگیز است. ولی خوشبختانه این روزها حرکت های خوبی در والیبال گنبد در حال اتفاق افتادن است باشگاه جوهری قصد دارد اتفاقات و ناامی های فصل گذشته خود را تلافی کند. به همین خاطر در اولین اقدام خود اعضای کمیته فنی خود را انتخاب نموده است. اعضای کمیته فنی باشگاه جوهری، حاجی آقا نیازی، حبیب کوزه لی، بای محمد دوجی، جلیل شعار، جلیل جعفری، عظیم جزیده، احد ارومشی، قربان توسن، غفور گوگجلی و قربان علی هاشمی تشکیل می دهند. حاج آقا نیازی این روزها سخت در تکاپو است تا بتواند یک تیم بومی و در حد و اندازه گنبد جمع و جور کند. چندی پیش اولین جلسه اعضای کمیته فنی باشگاه جوهری تشکیل شد و تصمیماتی گرفته شد. از مهمترین تصمیمات کمیته فنی باشگاه می توان به انتخاب کادر فنی باشگاه اشاره نمود. باشگاه جوهری گنبد احتمالاً با سرمربیگری بای محمد دوجی، عظیم جزیده کمک مربی، جلیل جعفر بای سرپرست، منصور جزیده آنالیزور و جبار دولو مربی بدنساز در سوپر لیگ آینده حضور خواهد یافت. همچنین مسئولین و کادر فنی باشگاه تصمیم دارند بازیکنان گنبدی را بتوانند جذب کنند. بازیکنانی همچون فرهاد قائمی، میکائیل تاجر، ادریس دانتشر، عبدا... ناظری، گل محمد سخاوی، حمید چوکان و چند بازیکن دیگر در لیست خرید باشگاه جوهری جای گرفتند. با توجه به این رخدادها به سراغ چند تن از علاقتمندان رقیتم تا نظرات آنها را راجع به تصمیمات اتخاذ شده توسط باشگاه جوهری را جویا شویم: کریم دانشجوی علاقمند به والیبال گفت: اولاً از آقای جوهری باید تشکر کرد که زحمات زیادی برای والیبال گنبد می کشند. ثانیاً امیدواریم که ایشان بتوانند بازیکنان تراز اول گنبدی را جذب کنند تا یک تیم منسجم و قوی برای لیگ امسال داشته باشیم. ناصر، تماشاکر گنبدی نیز گفت: امیدوارم که آقای دوجی بتواند تیم و کادر فنی خوبی را جمع و جور کند. همچنین از آقای عظیم جزیده و جبار دولو خواهش می کنم که تیم گنبد را تنها نگذارند و در کنار بای محمد دوجی باشند و به تیم کمک شایانی داشته باشند. جلیل یکی از لیدرهای گنبدی هم گفت: امیدواریم که فرهاد قائمی و میکائیل تاجر همچون بازیکنان دیگر گنبدی به تیم خودشان ملحق شوند ما با جذب دو بازیکن در پست های سرعنی و پاسور می توانیم حرف های زیادی در سوپر لیگ امسال داشته باشیم. از جمع بندی صحبت های مسئولین و علاقتمندان می توان نتیجه گرفت که امسال با توجه به تجربه تلخ فصل گذشته یک تیم تقریباً متوسط به بالایی در گنبد تشکیل خواهد شد. امیدواریم که با توجه و عنایت مسئولین فصل خوبی برای والیبال



فرانکلین دلانو روزولت در سی ام ژانویه ۱۸۸۲ م. در نزدیکی پوکیسی نیویورک دیده به جهان گشود. او تحصیلات اولیه خود را در خانه آموخت. سپس به مدرسه گروتون و از آن جا به دانشگاه هاروارد و کلمبیا وارد شد و به تحصیل علم حقوق پرداخت و بعداً در نیویورک به وکالت مشغول گردید. روزولت خدمات سیاسیش را از دستگاه قانونگذاری نیویورک آغاز نمود و به زودی به معاونت وزارت درياداری رسید. او مرد حیرت آوری بود، خصوصاً اگر بدانیم که قسمت عمده دوران خدمتش را به علت بیماری فلج بر صندلی چرخدار می گذارند. در سال ۱۹۳۲م. که طرح «فراراد جدید» را به امریکاییان

و متغیر بود.

*** آخرهای خرداد بود و بهار کم کم داشت جای خود را به تابستان می داد. هر جمعه، بچه ها جمع می شدند خانه ی ما و در حیاطمان که فضای خوبی داشت، بازی می کردیم. آن روز نیز یکی از همین جمعه ها بود و بچه ها آمده بودند، من هم با همان لباس راحتی که در تن داشتم یعنی با یک شلوار کوتاه و یک تاپ یقه باز رفته به حیاط و به بچه ها ملحق شدم. پس از کلی بحث درباره ی این که مشغول کدام بازی شویم، من «هفت سنگ» را پیشنهاد دادم و همگی با من موافقت کردند. رفته و از اتاق یک گچ آوردم و محل های قرارگیری توپ، سنگ و ... را خط کشی کردم و پس از انتخاب هم گروه هایمان، بازی را شروع کردیم. بعد از این که سه، چهار دور بازی کردیم، خسته شدیم و با پیشنهاد یکی از دوستانم که گفت: «کمی استراحت کنیم» رقیتم و زیرسایه درختی نشستیم. به محض نشستن، ناگهان احساس کردم، چیزی روی گردنم راه می رود. زهرا که دقیقاً روبه روی من نشسته بود، چیچ زد و گفت: «بهتان، مواظب باش یک عنکبوت روی گردنته». هم خودش و هم بقیه از ترس، از اطرافم پراکنده و دور

عنکبوت

شدند. من هم از ترس چیچی کشیدم و از جا پردیم. شیرین به سرعت روسری اش را درآورد و با آن عنکبوت را از روی گردنم به روی زمین انداخت. زل می زنم به دفترچه و روی یکی از سوالات علوم مکث می کنم که متوجه همان عنکبوت می شوم که روبه رویم روی زمین دیده بودم، روی صندلی ام و دقیقاً روی پاسخانمه سالواتم در حال راه رفتن است. نمی دانم چکار کنم. اگر چیچ بزنم، حواس همه ی دانش آموزان پرت می شود و در ضمن لقب ترسو به من می دهند که البته دروغ هم نیست. در حال نقشه کشیدن هستم که چگونه عنکبوت را از بین ببرم، طوری که نه مراقب چیزی بفهمد و نه دانش آموزان آید و روی آن نیز علامت می گذارد و همین طور تعجب است. عنکبوت روی گزینۀ ها می رود و دقیقاً روی گزینۀ ی (ب) جا به جا می شود و علامتی روی آن می گذارد، چند گزینۀ دیگر هم پایین می آید و روی آن نیز علامت می گذارد و همین طور ادامه می دهد. با تعجب، به کاری که می کند زل می زنم. متوجه گذر زمان نمی شوم که یک باره از بلند گو اعلام می شود: «داوطلبان گرامی، وقت تمام است...» ناگهان متوجه می شوم که اثری از عنکبوت

نیست و علامتی کوچک روی همه ی شماره هایی که انتخاب نکرده ام وجود دارد. دارم گزینۀ های علامت خورده را سریع بر می کنم که مراقب امتحان می آید و می گوید: «لطفاً پاسخانمه و دفترچه را بده دخترم، وقت تموم شده». آخرین گزینۀ را نیز بر می کنم و پاسخانمه را به خانم مراقب می دهم. در راه ، با هیچ کدام از دوستانم حرفی نمی زنم، چون می دانم که باور نمی کنند وحتی به من می گویند: «دیوانه شده ای» چند روزی می گذرد... می روم سراغ اینترنت تا «پاسخ های تیزهوشان» را جستجو کنم درستی یا نادرستی جوابهایم مطلع شوم، اما می ترسم و صرف نظر می کنم. *** یکسماه می گذرد... زنگ تلفن به صدا در می آید. می روم و گوشی را برمی دارم. صدا، صدای مدیر مدرسه ام است، سلام و احوال پرس می کند. می گوید: مبارکه دخترم، نوی تیزهوشان قبول شدی! باورم نمی شود! چند ثانیه مکث می کنم که مدیرمدرسه ام می گوید: احمدی چی شد؟ چرا جواب نمی دهی؟ می گویم: «ممنونم خانوم رحیمی به خاطر خبرخوششان»، خداحافظی می کند. می روم سراغ اینترنت و «کلید پاسخ های تیزهوشان» را جستجو می کنم و می بینم همه ی جواب هایی که عنکبوت علامت زده، درست بوده است.

با خوشحالی دراز می کشم و زل می زنم به سقف و یک تار عنکبوت می بینم و لبخند می زنم.

عرفانه اوق

جنگ چه در تهران و چه در «ایالت» به نقش امریکای بعد از جنگ واقف بود و می دانست که امریکا از آن پس سیاست انزواطلی دیرینه را رها خواهد کرد. از این رو برخلاف دیگر سیاستمداران قبلی امریکا که همچنان انگلیس را میداندار سیاست اروپا و دنیا می پنداشتند، نظریات خویش را به طور قاطعانه ای به چرجبل تنفیذ می کرد. پایان جنگ نزدیک بود که روزولت برای چهارمین بار در سال۱۹۴۴م. به ریاست جمهوری انتخاب شد. روزولت در دوازدهم آوریل ۱۹۴۵م. یعنی سه هفته قبل از شکست قطعی نازی ها به مرگ ناگهانی در وارم اسپرینگ ایالت جورجیا، پس از عمری تلاش وفات یافت و او را در هاید پارک به خاک سپردند. فرانکلین روزولت مؤسسه ای برای کمک به مبتلایان بیماری فلج اعصاب در وارم اسپرینگ تأسیس نمود و بدون چشمداشتی، وقت و پول خود را صرف دلجویی از کسانی می کرد که مانند خودش دچار مشکلات جسمی بودند. فرانکلین روزولت بدون شک یکی از مقتدرترین رؤسای جمهور ایالات متحده امریکا بود.

فرهنگ معین، فرهنگ دانش، سیپای نامداران، رؤسای جمهور امریکا کتاب نوایغ و مشاهیر معلول جهان – گرد آورنده منصور پریجان - انتشارات سروش – چاپ اول ۱۳۷۶ – صفحه۱۲۸

تهیه و تنظیم – مهندس فرجاد بهمنش (عبدالرحمن) رئیس هیات مدیره انجمن معلولین جسمی حر کتی صابر بندرتروکمن
www.saberNGO.blogfa.com

نورپردی جرجانی

به روایت فرزندش

اولکامیز – حامد دلپچه: مرحوم نورپردی جرجانی یکی از شاعران معاصر ترکمن صحراست که علاقمندان به ادبیات ترکمن به خوبی او را می شناسند به خصوص نسل قدیمی های شاعران. مرحوم جرجانی در سال ۱۳۰۱ در روستای قارقو (سبمین شهر فعلی) چشم به جهان گشود و پس از فعالیت های بیشمار و خدمت در اعتلای ادبیات ترکمن به سال ۱۳۶۲ در سن ۶۱ سالگی در آق قلا به درود حیات گفت. فرصتی پیش آمد تا به بهانه ۲۸۰مین سالروز تولد مختومقلی فراغی نشست کوتاه با فرزند وی محمد جرجانی داشته باشیم. سولاتی متعدد از آقای جرجانی پرسیدم که ما حصل آن هرچند کوتاه اما شنیدنی است.

فرزند نورپردی جرجانی گفت: پس از پیگیری ها و زحمات فراوان با دریافت مجوز از اداره ارشاد (وزارت ارشاد) اولین کتاب شعر پدرم بنام سحر چاغی به زودی منتشر خواهد شد. این کتاب اکنون در چاپخانه انتشارات ریجان در گرگان است. وی افزود: این کتاب تقریباً چهارصد صفحه و بسیار نفیس خواهد بود. برای تدوین و ویرایش این کتاب سردبیر صحرا آقای حاج حمید کمی و مسئول بخش ترکمنی محمد نامه آقای غفور خوجه و همچنین آقای شاه عزیزان تشکر می کنم.

وی در ادامه اظهار داشت: کتاب چاری و جمال نیز تقریباً به مراحل پایانی تدوین رسیده که این اثر ارزشمند نیز پس از اخذ مجوز منتشر خواهد شد. آقای جرجانی با بیان این که پدرم آثار فراوانی داشتند اما اکنون اکثرشان یا ناپدید شده اند یا پراکنده اند که باید جمع آوری شوند.

محمد جرجانی در ادامه گفت: پدرم در شعرهایش به نام گورگن بویلی و در مقاله های ادبی اش به نام حانوج ترکمن شناخته می شد و معروفترین شعر وی نیز اوغزین اوغزین که باخشی دوردی طریک به زیبایی هرچه تمام تر این شعر را می خواند و همچنین شعر اتا (مادر) توسط مرحوم ارازمراد آرخنی بسیار شنیدنی اجرا می کند.

شایان ذکر است نورپردی جرجانی نویسنده بخش ترکمنی رادیو گرگان بود که بازرترین اثر وی در این مورد نمایشنامه دورسن اجا و بارسن بالی که هر پنجشنبه از رادیو ترکمن پخش می شد مخاطبان زیادی داشت.

آگهی تجدید ارزیابی کیفی

شرکت گاز استان گلستان



شرکت گاز استان گلستان

(مهری مهر)

رجوع به صفحه ۲